

گفت‌وگوی «جوان» با شهین نیک‌ورز
مسئول حفاظت خواهران بیت‌الزهرای سردار شهید سلیمانی

این خانه هنوز عطر حاج قاسم را می‌دهد

صغری خیل‌فرهنگ

«بیت‌الزهرای حاج قاسم» تنها خانه این شهید بزرگوار در کرمان بود که فروردین سال ۱۳۹۲ آن را وقف برگزاری مجالس عزای حضرت زهر(س) کرد؛ خانه‌ای که هر ساله در ایام فاطمیه میزبان عزاداران حضرت زهر(س) است؛ خانه‌ای که حاج قاسم سال‌ها در ایام فاطمیه مقابل در آن می‌ایستاد و به کوچک و بزرگ عزادار حضرت فاطمه زهر(س) خوشامد می‌گفت و با افتخار میزبان مهمانان حضرتش بود. بیت‌الزهرای بعد از شهادت سردار حال و هوای دیگری به خود گرفت. حالا دیگر همه بیت‌الزهرای(س) را می‌شناسند و تقریباً همه آنها بی که به زیارت حاج قاسم می‌روند به آنجا هم سر می‌زنند. خانه‌ای که به نیت ترویج سیره حضرت زهر(س) تبدیل به حسینیه شده است. در سومین سالروز شهادت حاج قاسم با شهین نیک‌ورز مسئول حفاظت خواهران بیت‌الزهرای حاج قاسم همکلام شدیم تا روزهای همراهی‌اش با خادمان بیت‌الزهرای(س) و خاطراتش با حاج قاسم برای ما بگوید.

کمی از خودتان بگویید. چطور شد که خادمی بیت‌الزهرای حاج قاسم نصیبتان شد؟

من شهین نیک‌ورز، متولد سال ۴۳، ساکن شهر کرمان و خاندان هستم. دیپلم اقتصاد دارم و تا حدودی تحصیلات حوزوی را گذراندم. الحمدلله این رزق از طریق عضویت در پایگاه بسیج نور ولایت نصیب شد. به عنوان فرمانده این پایگاه در سال ۹۰ فرمانده نمونه شدم و از طرف حضرت آقا به سفر کربلا مشرف شدم. سال ۹۴ بالاترین رده بسیج کشوری به پایگاه نور ولایت تعلق گرفت، به هر روی مسئولیتیم در بیت‌الزهرای حاج قاسم که حفاظت بخش خواهران و برقراری نظم مجلس و مراسم و حفاظت و بازرسی ورودی در خواهران است، به برکت همین حضور و فعالیت در بسیج بود.

چیه شد که حاج قاسم خانه‌اش را وقف حضرت زهر(س) کرد؟

علاقه و محبت بی‌نهایتش به حضرت زهر(س) بود و ایشان صاحبخانه را بانوی دو عالم می‌دانست و برای همین تنها خانه‌ای که در کرمان داشت را برای برگزاری مراسم عزاداری حضرت زهر(س) به ایشان هدیه کرد.

چه برنامه‌هایی در بیت‌الزهرای برگزار می‌شود؟

بیت‌الزهرای در سه طبقه مجزا آماده‌گی برگزاری مراسم مذهبی به خصوص عزاداری دهه فاطمیه را دارد. در زمان حیات شهید سلیمانی مراسم بسیاری به خصوص دیدار با خانواده شهید و سفره افطاری و دیدار و مراسم با چاه‌های دوران جنگ و یادواره شهدا در آنجا برگزار می‌شد. در طبقه اول قسمت خواهران مرقد مطهر شهید گمنام است که مزین به قسمتی از شبکه ضریح بی‌بی سه ساله حضرت رقیه (س) است. این اقدام در زمان حیات حاج قاسم انجام شده و هم‌اکنون دو تابوت حمل شهید حاج قاسم و شهید پورجعفری از عراق به ایران در آنجا قرار داده شده است. قبل از شهادت سردار مراسم با حضور خود ایشان و طبق برنامه‌ریزی انجام می‌شد. این مراسم مختص کرمان و حومه نبود، بلکه از سراسر کشور و کشورهای دیگر در این مراسم شرکت می‌کردند و حاج قاسم نسبت به تمامی شهدا و خانواده‌هایشان احساس مسئولیت داشتند. بین هیچ کدام چه سنی یا شیعه فرقی قائل نمی‌شدند. بعد از شهادت حاجی مراسم طبق روال گذشته و با توجه به وصیت ایشان همچنان ادامه دارد و علاوه بر روال گذشته، بیت‌الزهرای(س) میزبان عاشقان شهید سلیمانی از همه کشورهای استان‌های ایران است.

چه خاطراتی از حضور شهید سلیمانی در بیت‌الزهرای دارید؟

من هر زمان که ذوق و شوق حاج قاسم را از حضورشان در این مکان می‌دیدم، تمام خستگی‌هایم فراموش می‌شد. حاجی مخالف بازرسی مهمانان بیت‌الزهرای(س) بود. اصلاً دوست نداشت چنین کاری انجام بگیرد، ولی براساس عزت، مقام، شهرت ایشان و دشمنی‌های بسیار بر علیه‌شان و مسائل امنیتی، ما به صورت مخفیانه این کار را انجام

می‌دادیم. زمانی که سردار وارد بیت‌الزهرای می‌شدند، ما برای اطلاع محافظان و حفظ خونسردی‌شان رمزی بین خودمان گذاشته بودیم و با دیدن شهید حاج قاسم بلند می‌گفتیم برای سلامتی حاج آقا صلوات! دوستان اینگونه متوجه حضور ایشان می‌شدند و دست‌از کار می‌کشیدند. اتفاقاً یک مرتبه وقتی حاج آقا آمد و رمز را اعلام کردم، ایشان فرمودند: «خانم نیک‌ورز زبانتان یک چیزی می‌گوید و چشمتان چیز دیگری». ایشان از عملیات مخفیانه ما باخبر بودند.

یک خاطره دیگری که هرگز فراموش نمی‌کنم، این است که در زمان جابه‌جایی حاج قاسم، دوستان حفاظت سرسخت بودند و مسائل امنیتی را بسیار رعایت می‌کردند. یک روز که حاجی می‌خواستند به مراسم بروند، دوستان گفتند صبر کنید تا ماشین طبق روال گذشته به در بیت‌الزهرای(س) بیاید و تا شما را به محل برسانند، اما شهید فرمودند: «مطمئن باشید شهادت من در کشور و شهر خودم و در این مکان نیست. پس خودتان را نگران نکنید و خیالتان راحت باشد». بلافاصله و برخلاف گفته محافظان و دوستان خودشان به تنهایی به سر خیابان رفته و سوار ماشین می‌شدند. وقتی راننده‌های ماشین‌های شخصی دیگر ایشان را می‌دیدند به عشق حاجی توقف و با حاج قاسم احوال‌پرسی و عرض ارادت می‌کردند.

بدون شک حاج قاسم از محبوب‌ترین اشخاص در نزد مردم ایران و بسیاری از کشورهای دیگر بود، به نظر شما علت محبوبیت ایشان چه بود؟

حاج قاسم عزیز معنویات بسیاری داشت و بسیار رقیب‌القلب بود. گاهی حرف‌های ناگفته‌ها از چشم مهمانان و دوستان در می‌خواند و احتیاجی به بازگویی نداشت. ایشان گوش شنوایی برای همه بودند و با صبر و حوصله بسیار به تک‌تک حرف‌ها و درد دل‌ها گوش می‌دادند و تا می‌توانستند گره‌گشای مشکلات‌شان می‌شدند. نگاه مهربان حاج قاسم، ادب ایشان، چهره باصلاحت و خندانش، یتیم‌نوازی‌شان و نگاه بدون تبعیض نسبت به هم‌اقتدار جامعه زبازند مردم کرمان بوده و هست. ایشان در عین اقتدار و جذبه‌ای که داشتند بسیار رؤف و مهربان بودند و اگر کاری از دست‌شان برمی‌آمد، دریغ نمی‌کردند.

همه شاخصه‌های اخلاقی حاج قاسم، حب به ایشان را جهانی کرده است. یکبار در گلزار شهدای کرمان بودم، پدر و دختری را دیدم که از لحاظ پوشش به نظر ایرانی بودند اما وقتی نزدیک‌شان شدم، متوجه شدم که ایشان از اهالی بوسنی و ساکن آلمان هستند. با صحبت و معاشرت با ایشان متوجه علاقه بسیار‌شان به حضرت آقا و شهید سلیمانی شدم. آنها شناخت کاملی از خصوصیات و رفتار این دو بزرگوار (حضرت آقا و حاج قاسم) داشتند. گویی در ایران زندگی می‌کردند. حرف‌های‌شان نشان از ارادت زیادشان به شهدا و ولایت داشت که مرزهای جغرافیایی هم نتوانست مانع این عشق و ارادت شود. در مورد مردم کرمان باید بگویم که حاج قاسم بزرگ و عزیز و در قلب و

نمای نزدیک

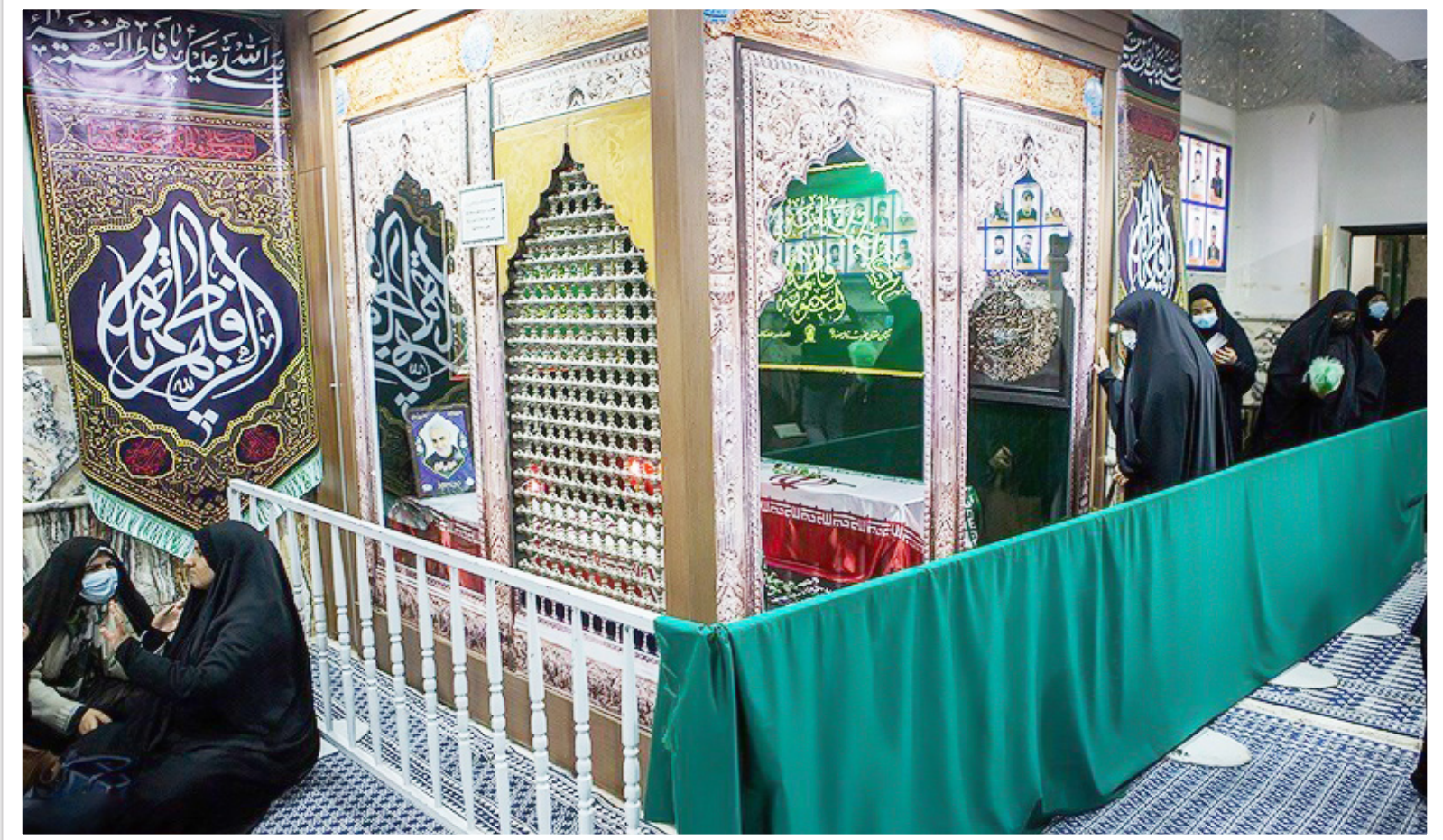


خواهر گرانتقدار و ارزشمنند سرکار خانم نیک‌ورز با عرض سلام و تشکر فراوان از زحماتی که در مجلس حضرت زهر(س) متحمل می‌شوید. از خداوند بزرگواران تشکر فراوان از زحماتی که در مجلس حضرت خودش بهره‌مند و از شفاعت و عمل به قرآن بهره‌مندتان نماید. / برادر تان سلیمانی

دل کرمانی‌ها تا اینده زنده است. هر شب جمعه در هر فصل و وضعیت آب و هوایی، مراسم زیبا و معنوی به وقت شهادت از ساعت ۱۲ تا یک و ۲۰ برگزار می‌شود و دوستان ایشان در گلزار شهدا و در کنار مرقد مطهر ایشان حضور می‌یابند. حاج قاسم در گلزار شهدا ماؤا گرفت که عطر، حال و هوای خاصی به شهر ما بخشید. همین اقدام ایشان هم لطف و محبتی بود که نثار مردم کرمان کردند و هرگز از یادها نخواهد رفت.

در زمانی که به عنوان مسئول حفاظت خواهران بیت‌الزهرای(س) مشغول به خدمت بودید، حاج قاسم صحبتی با شما داشتند؟

سال ۹۵ برای اولین بار بعد از اتمام مراسم عزاداری، خادمان بیت‌الزهرای(س) را دعوت کردند. خود حاجی شخصاً از تک‌تک خادمان تقدیر و تشکر کرد و در بین چهار عوامل حفاظت واحد برادران، فقط من به عنوان مسئول حفاظت خواهران در جمع خادمان حضور داشتم. به دلیل حضورم در مجلس آقایان گوشه‌های جدا نشسته بودم و بعد از تلاوت قرآن حاجی من را صدا زدند و فرمودند: «چرا جدا نشسته‌ای؟ شما جزئی از دوستان هستید، پس به ما بپیوندید». آن شب ایشان در مورد مقام حضرت زهر(س) و جایگاه زن صحبت کردند و از من تقدیر کردند. ایشان بعد از اتمام جلسه با آقایان عکس دسته جمعی گرفتند و بعد از آن فرمودند: «حالا یک عکس با واحد خواهران بگیریم». من راضی‌ازند



داغدار شهادت حاج قاسم راهی مصلای شهر کرمان شدیم. با مداحی و سوگاری برادران عزیز همراه شدیم تا شاید این غم فراق، جدایی و دل‌تنگی که قطعاً هیچ‌گاه آرام نخواهد شد را تسلی دهیم. بعد از تدفین حاج قاسم بیت‌الزهرای(س) دیگر جدایی و دل‌تنگی که قطعاً هیچ‌گاه آرام نخواهد شد را تسلی دهیم. بعد از تدفین حاج قاسم هر لحظه در ذهن مرور می‌شد. بارش سخت بود که بیت‌الزهرای(س) در کنار مزار ایشان قرآن خواندم. هوا سرد بود، اما گلزار شهدا پر بود از جمعیت عاشقی که به عشق حاج قاسم آمده بودند. شاید زبان از بیان آن شور و حال و قلم از نگارش آن حضور عاجز باشد. حاج قاسمی که افتخار ما کرمانی‌ها در زمان قبل شهادت و بعد شهادت‌شان بوده و هست، ما کرمانی‌ها عزت و برکت شهرمان را از وجود شهید حاج قاسم سلیمانی می‌دانیم. حاج قاسم عزیز به دوستان شهیدش بیوست و با توجه به علاقه بسیار ایشان به شهید یوسف الهی در کنار ایشان آرام گرفت.

حاج قاسم عزیز معنویات بسیاری داشت و بسیار رقیب‌القلب بود. گاهی حرف‌های ناگفته را از چشم مهمانان و دوستان در می‌خواند و احتیاجی به بازگویی نداشت. ایشان گوش شنوایی برای همه بودند و با صبر و حوصله بسیار به تک‌تک حرف‌ها و درد دل‌ها گوش می‌دادند و تا می‌توانستند گره‌گشای مشکلات‌شان می‌شدند.

سریع و بدون هیچ مشکلی انجام شد. شما چندین سال حاج قاسم را می‌شناختید و از نزدیک دیده بودید، شنیدن خبر شهادت‌شان و بعد تشییع باشکوه پیکر‌شان برای شما چطور گذشت؟

شنیدن خبر شهادت فرمانده مقاومت، حاج قاسم عزیز برای همه دوستان‌شان سخت و تلخ بود. از آن لحظه‌ای که متوجه خبر شهادت‌شان شدیم تا آن لحظه‌ای که هوا پیمای حامل پیکر مطهر‌شان در فرودگاه نشست، برایمان به غایت سخت بود. لحظات آنقدر کند می‌گذشت که انگار هر روز به اندازه یکسال زمان می‌برد. یاد است هوا پیمای حامل پیکر ایشان در ششی بسیار سرد در فرودگاه نشست. من و دخترهایم خودمان را به آنجا رساندیم، اما به خاطر برخی مسائل امنیتی نتوانستیم پیکر شهدا را همراهی کنیم. آرام و فرار نداشتیم. دل‌مان هم تاب ماندن در خانه را نداشت. همراه با دیگر عزیزان

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| ۸ | ۵ | ۴ | ۷ | | |
| | | | | ۹ | ۷ |
| | | | | | ۵ |
| ۴ | ۶ | | | | |
| | | | | | |
| ۵ | | | | | |
| | | ۲ | ۴ | ۵ | |
| | | | | | ۷ |
| | | | | ۳ | |
| | | | | | |
| | | | ۳ | ۹ | |

جدول سودوکو

ارقام ۹ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۶۶۶۴

| | | | | | | | |
|----|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | ۷ | ۱ | ۳ | ۸ | ۶ | ۱ | ۷ |
| ۲ | ۳ | ۸ | ۱ | ۱ | ۱ | ۳ | ۳ |
| ۳ | ۱ | ۳ | ۷ | ۷ | ۱ | ۱ | ۸ |
| ۴ | ۱ | ۳ | ۷ | ۷ | ۱ | ۱ | ۸ |
| ۵ | ۱ | ۳ | ۷ | ۷ | ۱ | ۱ | ۸ |
| ۶ | ۱ | ۳ | ۷ | ۷ | ۱ | ۱ | ۸ |
| ۷ | ۱ | ۳ | ۷ | ۷ | ۱ | ۱ | ۸ |
| ۸ | ۱ | ۳ | ۷ | ۷ | ۱ | ۱ | ۸ |
| ۹ | ۱ | ۳ | ۷ | ۷ | ۱ | ۱ | ۸ |
| ۱۰ | ۱ | ۳ | ۷ | ۷ | ۱ | ۱ | ۸ |
| ۱۱ | ۱ | ۳ | ۷ | ۷ | ۱ | ۱ | ۸ |
| ۱۲ | ۱ | ۳ | ۷ | ۷ | ۱ | ۱ | ۸ |
| ۱۳ | ۱ | ۳ | ۷ | ۷ | ۱ | ۱ | ۸ |
| ۱۴ | ۱ | ۳ | ۷ | ۷ | ۱ | ۱ | ۸ |
| ۱۵ | ۱ | ۳ | ۷ | ۷ | ۱ | ۱ | ۸ |

طراحی: علیرضا سجادی فر | شماره ۶۶۶۵

از راست به چپ

- ۱- مهم‌ترین دغدغه پیامبر (ص) در زمان رحلت ایشان - کار آموزی
- ۲- مسابقات گروهی - نام پرچم ایران در عهد باستان - باد شرقی
- ۳- پرخور - نوعی وضو - ریز نمرات دانش آموز
- ۴- دومین نخست وزیر ایران - نویسنده آلمانی کتاب دمیان - دخمه
- ۵- واحد نظامی - هر چیز میان تهی
- ۶- تاسکی پزطرفیت - بدنام - شاعر دشتستانی - شهر توت
- ۷- مقابل فرد - قطار - پایه و ستون - کاکل اسب
- ۸- شوهر خواهر - برکه - پایتخت آذربایجان
- ۹- گندم - بخشش - تند و سریع - فلز چهره
- ۱۰- ارتفاع بدن - میوه فروش - دوست - جایگاهی در سینما
- ۱۱- تالار - نفوذ و رخند
- ۱۲- بیمار - ماهوت بازکن - مقوای ضخیم
- ۱۳- مس - ریا - قابل
- ۱۴- صیاد موش - ساز گاری و هماهنگی اجزا - تگ‌ها خیره
- ۱۵- عدم صراحت - الیاز آهن و روی

از بالا به پایین

- ۱- صنایع دستی - ایزازی برای تعیین جهت
- ۲- پسر مازندرانی - کودک تازه متولد شده - ابر
- ۳- غزاف - غزا - نیم
- ۴- ترمز کشتی - استان شاعران نامی
- ۵- قورباغه - درخت و صیحه - بلند - رفیع - اراده
- ۶- دندان - قیل - پرورکتور - خمیدگی پارچه
- ۷- بازگشت از گناه - زیاد و بسیار - کبیر
- ۸- هشتمین رئیس جمهور کشورمان - آسیب جسمی - یاروخی
- ۹- ستاره بی سر - نوعی یخچال - پایتخت کره جنوبی
- ۱۰- عدد منفی - دستگاهی برای گرم کردن غذا - خوردوری فرانسوی
- ۱۱- حرف خطاب - محلی در دوزخ - از برهاب در دو میدانی - حرف انتخاب آقایان عکس دسته جمعی گرفتند و بعد از آن فرمودند
- ۱۲- پیدا شدن - استواری
- ۱۳- بر خورد - فانوس در بای - از فرماندهان شهید و دلاور عملیات کربلای ۵
- ۱۴- چشم پوشی - طلبکار از طلب خود - کتاب شیخ بهایی - اولین ماه باستان رومی
- ۱۵- از غذاهای آماده - شماره ای از یک نشریه که به موضوع خاصی اختصاص دارد